

## بررسی مبانی اخلاقی تخلف از تعهد و وجه التزام در حقوق ایران و مقارنه آن با حقوق انگلیس

۱ رضا زهره وند

۲ حمیدرضا علی کرمی

۳ وحید قاسمی عهد

### چکیده

تعهدات و بحث ایفا یا تخلف از آن موضوعی اخلاقی است که زیست اخلاقی روزمره ما و بخش مهمی از علم حقوق است. به همین دلیل توجه به شرایط و احکام انتقال تعهد، معیارهای اخلاقی حاکم بر آن برای شناخت قوانین و مقررات در این زمینه دارای ضرورت و اهمیت است. این موضوع با بررسی حقوقی وجه التزام صورت می‌پذیرد که نهادی شناخته شده است. در نظام های تابع نظام رومی ژرمن وجه التزام به صورت نظریه ای مدون است، در حقوق اسلامی وجه التزام در هنگام نگارش قانون مدنی ماده ۲۳۰ از ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است و علیرغم اینکه قانون مدنی فرانسه، در جهت اصلاح و بهبود این نهاد بارها مورد اصلاح قرار گرفته است، ماده ۲۳۰ قانون مدنی که تنها ماده راجع به وجه التزام است از آن زمان تغییری ننموده است و به این لحاظ ماهیت و آثار اخلاقی آن، هم چنان در هاله ای از ابهام قرار دارد. آنچه بسیار مهم می باشد، این است که درباره چگونگی نحوه اعمال قواعد قضایی شروط جزایی حقوق انگلستان در حقوق ایران باید گفت: در حال حاضر در حقوق ایران، جریمه های قضایی ممنوع و یا دست کم بسیار محدود شده اند و جریمه های قضایی در حقوق ایران، دامنه محدودی دارند.

### واژگان کلیدی

تعهد اخلاقی، رضایت، شروط جزایی، وجه التزام، حقوق ایران، حقوق انگلستان.

۱. گروه حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

Email: rzohrevand8@gmail.com

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Civil.alikarami@gmail.com

۳. گروه حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

Email: v.ghassemi@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۵

## طرح مسأله

انتقال تعهدات، یک نیاز اساسی در جامعه امروزی است و رشد و توسعه این مفهوم در حقوق کشورهای دیگر نیز تأیید شده است. هر شخص می‌تواند در مورد دارایی خود و انتقال آن تصمیم بگیرد. چون قرارداد جزئی از دارایی فرد محسوب می‌شود، باید امکان از قرارداد خارج شدن و انتقال حقوق و تعهدات آن به فرد دیگری فراهم شود. لذا شناخت نهاد انتقال تعهدات برآورده کردن این نیاز را ممکن می‌سازد. (شعاریان و ترابی، ۱۳۸۹: ۲۱) در انتقال تعهدات، همانند سایر قراردادهای، قواعد عمومی قراردادهای اعمال می‌شود. در زمینه انتقال تعهدات در امور تجاری، موضوعاتی مانند مالکیت و امور مالی و غیرمالی نیازمند بررسی دقیق‌تر هستند. با این حال، بررسی و تعیین روابط هنجاری در انتقال تعهدات، از جمله اصول اخلاقی که اساس قوانین حقوقی را تشکیل می‌دهند، اهمیت دارد. این روابط معمولاً از طریق انعقاد قرارداد بین یک متعهد جدید و متعهد ابتدایی و قبول آن توسط ذینفع تعهد صورت می‌پذیرد. در این حالت، ذمه متعهد اصلی برداشته می‌شود و متعهد جدید موظف به ایفای تعهد می‌شود. پس از اجرای تعهد، متعهد جدید می‌تواند به متعهد ابتدایی بازگردد یا یک قرارداد جدید بین ذینفع تعهد و متعهد جدید انعقاد شود. در این حالت، ذمه متعهد اصلی برداشته می‌شود و متعهد جدید موظف به ایفای تعهد می‌شود. پس از اجرای تعهد، متعهد جدید می‌تواند به متعهد ابتدایی بازگردد یا یک قرارداد جدید بین ذینفع تعهد و متعهد جدید انعقاد شود.

طرفین یک قرارداد می‌توانند قبل از نقض قرارداد میزان خسارت و نحوه جبران خسارت را معین نمایند این موضوع در ماده ۲۳۰ ق.م. به نحو اجمال بیان شده است اما قانونگذار تعریف صریحی از وجه التزام ننموده است. علمای حقوق در تعریف آن گفته‌اند: «مبلغی است که متعاقدين در حين عقد به عنوان میزان خسارت محتمل الوقوع ناشی از عدم اجراء یا ناشی از تأخیر در اجرا تعهد پیش بینی کرده و مورد توافق قرار می‌دهند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ص ۸۷)

در این تعریف به تبعیت از ماده ۲۳۰ ق.م. توافق در مورد خسارت را محدود به حین عقد یا ضمن عقد نموده است که قابل انتقاد می‌باشد چرا که ضرورتی ندارد تعیین وجه التزام در خود قرارداد باشد و طرفین مدتها پس از انعقاد قرارداد نیز می‌توانند در مورد خسارت عدم اجرا و نقض عهد توافق نمایند که این مورد تأیید نویسنده مذکور نیز هست چرا که در جای دیگری بیان نموده‌اند: وجه التزام مبلغی است که طرفین قرارداد پیش از وقوع خسارت ناشی از عدم اجرا یا تأخیر اجرای آن به موجب توافق معین می‌کنند. (همان، ص ۷۳۹)

برخی نیز با تعبیر شرط جزایی (Penal clause) بیان داشته‌اند: «توافقی است که به موجب

آن دو طرف میزان خسارتی را که در صورت عدم اجرای نامشروع قرارداد بطور مقطوع باید پرداخته شود از پیش معین می سازند. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۵۷۰)

تعبیر شرط کیفی که به تبعیت از حقوق اروپایی استعمال شده بیانگر جنبه تضمینی و تنبیهی وجه التزام می باشد که در مباحث بعدی بیشتر به آن خواهیم پرداخت ولیکن تعریف ذکر شده در فوق بیشتر جنبه مقطوع نمودن خسارت را مورد نظر قرار داده است.

یکی از نکات قابل توجه در تعاریف وجه التزام و همچنین ماده ۳۳۰ ق.م این است که موضوع وجه التزام را وجه نقد دانسته اند ولی به نظر می رسد این امر از باب غلبه باشد و اشکالی ندارد که وجه التزام غیر از وجه نقد باشد مثلاً در قراردادی که میان الف و ب جهت ساختن یک آپارتمان منعقد میگردد طرفین توافق نمایند که در صورت عدم انجام تعهد از سوی پیمانکار و یا تأخیر در اجرای آن یا انجام کار به طور معیوب و غیر از آنچه توافق شده وی مؤظف به انتقال زمین پلاک معین خود به عنوان وجه التزام به کارفرما باشد در حقوق آلمان نیز به این امر صریحاً اشاره شده و ماده ۳۴۲ ق.م آلمان بیان می دارد که اگر کاری غیر از پرداخت مبلغی پول موضوع وجه التزام باشد مقررات مواد ۳۳۹ تا ۳۴۱ قابل اجرا است در حقوق فرانسه نیز ماده ۱۲۲۶ مقرر میدارد شرط وجه التزام شرطی است که به موجب آن شخصی جهت تضمین اجرای یک قرارداد متعهد به چیزی در صورت عدم اجرای آن می باشد. شعاریان ستاری ۱۳۷۷، پایان نامه، ص ۳۲ و ۳۳) و وجه التزام را محدود به وجه نقد نکرده است.

در حقوق انگلستان در تعریف وجه التزام گفته شده است «مبلغی است که طرفین توافق میکنند به عنوان غرامت به هنگام نقض قرارداد پرداخت شود و چنین فرض می شود که مبلغ مورد توافق بدون توجه به خسارت واقعی متحمله قابل وصول می باشد». (همان) این تعریف در واقع liquidate damages را در برمی گیرد که نمایانگر یک تضمین صادقانه و پیشاپیش از میزان ضرر می باشد نافذ و می باشد. برعکس، در صورتی که مبلغ تعیین شده در قرارداد بیشتر ماهیت یک تهدید را داشته باشد که همواره بر روی سر طرف دیگر قرار دارد تا وی را مجبور به اجرا نماید این را «تنبیه یا مجازات می دانند که قابل اجرا نیست. (داکسبری، ۱۳۷۷، ص ۲۱۶). لازم به ذکر است که حقوق دانان عرب از وجه التزام با عبارت "التفویض الاتفاقی یاد کرده‌اند.

در زمینه پیشینه پژوهشی می توان به مقاله موسوی (۱۴۰۱) با عنوان «مهار وجه التزام قراردادی با اصول عدالت و انصاف» اشاره داشت که نویسنده در نتایج تحقیق آورده است: آزادی در برقراری وجه التزام ناشی از پیمان شکنی به هر مقدار در برخورد با برخی نمونه ها دور از عدالت و انصاف است و در حقوق فرانسه این مسئله بر پایه عرف، منطق و عدالت مهار شده است. نامور و حسنی (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «مقایسه تطبیقی تعدیل وجه التزام در حقوق فرانسه

و ایران» به موضوع توجه داشته‌اند و در نتایج تحقیق آورده‌اند: مداخله دولت‌ها به بهانه ایجاد تعدیل در روابط قراردادی، رعایت انصاف و به طور کلی نظم عمومی اقتصادی است. همچنین ملاحظات متضاد ناشی از ثبات قرارداد از یکسو و رعایت انصاف و خودداری از اعمال مجازات در روابط مدنی از سوی دیگر امکان تعدیل وجه التزام و تفکیک آن از سوی دیگر شروط قرارداد را به یکی از مسائل مناقشه تبدیل نموده است. محمود آبادی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «وجه التزام در حقوق ایران با رویکرد فقه و رویه قضایی» در بیان نتایج تحقیق آورده است: باید پذیرفت عنان اصل آزادی اراده مطلقاً در ید متعاقدين نیست، بلکه هر یک از انواع نظام‌های حقوقی به فراخور و مقتضای قواعد خود تمهیدات و موانعی در راه آن در نظر گرفته‌اند. هم‌چون قانون مدنی ایران که امکان تعدیل وجه التزام قراردادی توسط دادگاه را مورد پذیرش قرار نداده است. نوآوری این تحقیق در مقایسه با پژوهش‌های انجام شده تحلیل انتقال تعهد و وجه التزام با ابتنا بر اصول اخلاقی و اخلاق حسنه است و تأکید بر این اصل که با مقایسه حقوق ایران با انگلیس می‌توان موضوع جبران خسارت بر اساس رضایت را بکار بست. اینکه مشارکت ذی نفع در انتقال تعهد پذیرفته می‌شود و در نهایت معاوضی بودن انتقال در موارد خاص مورد توجه قرار می‌گیرد.

## ۱- مفاهیم

### ۱-۱- مفهوم شرط

در منابع لغت، (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۴۲۰) دومعنی از واژه شرط ارایه می‌شود.

۱- الزام و التزام به یک شی در ضمن عقد.

۲- مطلق الزام و التزام. (انصاری، ۱۳۸۸: ۲۷۵) در تبیین معنای شرط فقیهان دچار اختلاف نظر شده‌اند شیخ اعظم انصاری که تعریف او مبنای بحث عالمان بعد از او قرار گرفته می‌نویسد: شرط در عرف بر دو معنا اطلاق می‌شود. اول معنی حدی، مصدر شرط - شارط و مشروط. دوم به مفهوم آن چه که از عدم آن عدم مشروط لازم آمده، بدون این که از وجود آن بود یا نبود مشروط لازم آید. این تقسیم بندی مورد نزاع علمی قرار گرفته است. عده‌ای با این استدلال که معنی دوم یک معنی عرفی بوده و از لغت استفاده نمی‌شود، سعی کرده‌اند آن را به معنی اول ارجاع دهند. معنی اول در دیدگاه شیخ انصاری همان الزام و التزام مطلق است. (موسوی خمینی، ۱۴۲۱: ۳۰۴).

### ۱-۲- مفهوم شرط جزایی

به موجب این شرط، طرفین میزان خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد یا سوء اجرای تعهد را قبلاً به طور قطع معین می‌کنند. در اصطلاحات ما شرط جزایی و وجه التزام نامیده‌اند. اصطلاح

اخیر معروف تر است.....». (همان، ۳۱۲)

یکی از حقوقدانان در این باره می نویسد: توافقی است که بر اساس آن طرفین معامله میزان خسارتی که در صورت عدم اجرای نامشروع قرارداد به طور مقطوع بایستی پرداخت گردد را معین می سازند. (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۷۲۳) در «فرهنگ حقوقی بلک» از شرط جزایی به عنوان قید قرارداد این گونه تعریف می شود: قید، توافق معتبر، وسیله ای جبران گر یا کیفری است که جهت اشتباه و خطای قراردادی، تأخیر یا انصراف از قرارداد در نظر گرفته می شود. چنین توافقاتی معمولاً توسط دادگاه قابل اجرا نیستند. (آقایی، ۱۳۸۷: ۱۱۲۷)

در ادامه باید گفت: نهادهای فقهی - حقوقی دیگری در مفهوم شرط جزایی به کار رفته که مترادف بودن برخی از آنها مورد تردید می باشد:

یک) ، «تعویض الاتفاقی»؛ این اصطلاح با شرط جزایی مترادف بوده و در فقه اهل تسنن و حقوق کشورهای عرب زبان به جایگزینی مفهوم شرط جزایی کاربرد فراوان دارد. از آنجا که تعیین خسارت با توافق طرفین انجام می شود، تعویض الاتفاقی استعمال کرده اند. دو) «بند الجزایی»؛ هر قراردادی ممکن است از چندین تبصره تشکیل شود که یکی از بندها متضمن یک شرط جزایی باشد. چون این شرط تحت یکی از بندهای قرارداد در نظر گرفته می شود، در فقه و حقوق کشورهای عربی گاه از اصطلاح البند الجزایی بهره جسته اند. سه) جزاءالاتفاقی؛ این واژه به معنی مجازات توافقی می باشد. در ادبیات فقهی - حقوقی در مواردی مورد استفاده است.

چهار) جزاءالتعاقدی؛ معنی این اصطلاح مجازات قراردادی است گاهی در منابع دیده می شود.

پنج) تعویض النکوص؛ معنی آن خسارت تخلف یا نقص قرارداد است زبان توافق ناشی از عهدشکنی.

شش) عربون؛ اصطلاحی که ریشه کاملاً فقهی دارد، نزد فقیهان بیشتر در مورد بیع و اجاره به کار می رود. در بحث مصادیق جزایی، ماهیت حقوقی و ارتباط آن را با شرط جزایی مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

هفت) «وجه التزام»؛ در حقوق ایران باور سنتی بر این است که شرط جزایی همان وجه التزام است که بر دو نوع تقسیم می شود: وجه التزام قراردادی و وجه التزام قضایی. در بحث مصادیق شرط جزایی مترادف بودن این دو مورد تحلیل قرار می گیرد. اصطیاد این واژه از ماده ۲۳۰ قانون مدنی آفریده ذهن حقوقدانان است و معلوم نیست قانونگذار حقیقتاً از این ماده چنین قصدی دارد یا خیر؟ مانند این که «وجه عدم التزام به تعهد»، هم می تواند از ماده برداشت شود و سایر احتمالات دیگر!

هشت) «شرط کیفری»: برخی حقوق دانان مترادف شرط جزایی و وجه التزام دانسته اند. (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۷۲۷) به نظر می‌رسد شرط کیفری که ترجمه<sup>۱</sup> می‌باشد به معنای همان شرط جزایی بوده و در اصطلاح لاتین به شروطی اطلاق می‌شود که ممکن است جنبه تنبیه داشته باشد و حتی نسبت به خسارت احتمالی گزاف باشد. در هر حال این شرط به «مفهوم مجازات قراردادی» متبادر به ذهن است که عام تر از وجه التزام بوده و شامل وجه التزام، وجه عدم التزام، تنبیه غیر مالی و حق فسخ و غیره است.

چنین شروطی در برخی موارد توسط دادگاه قابل اعمال نمی‌باشند. (آقایی، ۱۳۸۷: ۱۱۳۴) برخی گفته‌اند: وجه التزام با اصطلاح دیگری تطبیق می‌کند و آن<sup>۲</sup> که به معنای خسارات معین شده می‌باشد. خسارات معین شده توسط طرفین خساراتی هستند که متعارف و خردمندانه بوده و توسط دادگاه قابل پذیرش و اعمال بوده، علاوه طرفین معامله چون مبلغی وجه نقد تعیین می‌نمایند، به نهاد وجه التزام تعبیر می‌شود.

مبنای تاریخی وجه التزام در فرانسه را باید در حقوق رم و حقوق مسیحی جستجو کرد در حقوق رم وجه التزام صرفاً جنبه تنبیه متعهد را داشت. تعهد بدهکار به صورت شرطی گنجانیده می‌شد که به موجب آن هرگاه بدهکار به تعهد خود عمل نمی‌نمود می‌بایست مبلغی به عنوان جریمه پرداخت نماید. این شرط که به *stipulatio poenae* مرسوم بود در مواردی به کار می‌رفت که الزام متعهد به انجام تعهدش قانوناً ممکن نبود شرط پرداخت وجه التزام در واقع تعهد اصلی بدهکار بود. خصیصه صرفاً تنبیهی شرط دو نتیجه داشت؛ اول پرداخت وجه التزام در صورت عدم انجام تعهد دوم هرگاه میزان خسارات وارده بیش از وجه التزام بود متعهد باید آنرا جبران می‌کرد.

بعدها شرط تغییر یافت و بدهکار مکلف به انجام دو تعهد گردید: یکی تعهد اصلی و دیگری تعهد فرعی پرداخت مبلغ وجه التزام شرط هم جنبه تضمینی و هم جنبه تعیین مقطوع خسارت را داشت و متعهدله در انتخاب یکی از آن دو آزاد بود، در حقوق مسیحی در قرون وسطی این شرط برای فرار از قوانین مذهبی که رباخواری را ممنوع می‌کرد بود (اسکینی، ۱۳۶۷، ص ۵۱) پوتیه در کتاب تعهدات خود موضوع وجه التزام را عبارت می‌داند از جبران خسارت متعهدله از عدم انجام تعهد به همین دلیل مبلغ آنرا قابل تغییر می‌داند.

نویسندگان قانون مدنی فرانسه در ماده ۱۱۵۲ ق.م. برخلاف نظر پوتیه وجه التزام را غیر قابل تغییر اعلام نمودند ماده ۲۳۰ ق. م ما نیز در واقع به تبعیت از ماده ۱۱۵۲ نوشته شده است ولی سوء استفاده‌هایی که از این قانون به عمل آمد موجب شد تا در سال ۱۹۷۵ مبلغ وجه التزام را

1 . Penalty Clause

2 . liquidated damages

قابل تعدیل اعلام نمایند. (همان، ص ۵۳).

در قرون وسطی در انگلستان یکی از روشهای تضمین اجرای قرارداد استفاده از ضمانت نامه پرداخت جریمه (Penal Bond) بود مبلغ ضمانت نامه رقم بالایی بود و یک وسیله قوی برای اجرای قرارداد بعلت گزاف بودن مبلغ، قضاوت اجرای آنرا برای متعهد ناعادلانه می دانستند. ضمانت نامه ها اگر چه بوسیله دادگاه های کامن لا مورد تأیید و حمایت قرار میگرفت ولی انصاف اقامه دعوی به استناد چنین ضمانت نامه ای را منع می نمود و استدلال می کرد «انصاف استفاده از جریمه را در جایی که غرامت میتواند بکار گرفته شود مجاز نمی دارد». در ارتباط با اختلاف نظرهای موجود دادگاه ها نهایتاً چنین نتیجه گرفتند که اجرای چنین شروطی در صورتی که مبلغ مندرج در آن تناسب معقولی با زیان های احتمالی داشته باشد مجاز است و Penalty Clause بی اعتبار تلقی گردید.

### ۱-۳- مفهوم وجه التزام در حقوق انگلستان و ایران

در نظام حقوقی انگلستان، مقوله ی وجه التزام قراردادی، بر دو قسم است، این تفکیک اساساً بر هدف مورد نظر از شروط و مقررات مربوطه، استوار است. چنانچه شرط قراردادی، برای اجرای تعهد اصلی جنبه ی تحذیری و ترساننده داشته باشد، شرط متضمن جریمه است، در این شرایط زیان دیده نمی تواند مبلغ تصریح شده را مطالبه کند، بدین معنی که در چنین موردی شرط کیفری باطل بوده و زیان دیده فقط استحقاق مطالبه ی زیان واقعی خود و یا آن میزان از آن را خواهد داشت که مطابق اصول مشخصه قابل مطالبه است. (قاسم زاده، ۱۳۹۹: ۲۲۸)

از سوی دیگر، چنانچه شرط به گونه ای باشد که از پیش برای تقویم خسارتی که احتمالاً از تخلف از اجرای تعهد ناشی می گردد، درج شده باشد، شرط مزبور متضمن وجه التزام است؛ این شرط معتبر و نافذ بوده و طرف متضرر استحقاق دریافت مبلغ تصریح شده را خواهد داشت؛ اعم از این که، ضرر واقعی (و یا قابل مطالبه) او بیشتر از آن باشد و یا کمتر؛ همچنین برای تغییر شروط و قیود متضمن وجه التزام در قراردادها هیچ گونه اختیار قضایی وجود ندارد. (سماواتی، ۱۳۹۸: ۶۶)

وجه التزام در حقوق انگلیس به این صورت تعریف شده است: «شرط وجه التزام، شرطی است که طرف ملزم به پرداخت مبلغی به طرف دیگر شود اگر مندرجات قرارداد را نقض نماید»<sup>۱</sup>. شرط وجه التزام شرطی است که مقرر می نماید طرف [متعهد] مبلغی را پرداخت نماید اگر عمل متعهد شرط مندرج در قرارداد را نقض کند.

1. A liquidated damages clause is a clause which requires a party to pay a sum if it breaches a term of the contract

لازم به ذکر است که تعیین خسارت در نظام حقوقی انگلیس در قالب شرط جزاء به مجازات شخص ناقض تعهد قراردادی (عهدشکن) دلالت می‌نماید و چنین شرطی باطل است و اگر مبلغ مقرر به عنوان وجه التزامی جهت تعیین خسارت ناشی از نقض احتمالی قرارداد باشد و خواهان استحقاق آن را داشته باشد (در حد ورود خسارت واقعی به خواهان)، قابل مطالبه است. وجه التزام صرفاً دارای ماهیت خسارت و دارای ماهیت تنبیهی دارد هرچند بالعرض ممکن است جنبه جبران خسارت نیز داشته باشد. (قاسم زاده، ۱۳۹۰: صص ۱۴۲۷-۱۱۷)

با این حال در حقوق انگلیس اگر وجه التزام دارای ماهیت خسارت باشد شرطی صحیح و قابل تعدیل تلقی شده است و حتی اگر حاوی شرط جزایی باشد، فقط شرط باطل خواهد بود ولی موجب بطلان قرارداد نمی‌شود.

رویه محاکم قضایی عالی انگلیس دادگاه استیناف و دیوان عالی کشور، در خصوص شرط وجه التزام معتبر و قابل اعتناء در محکمه مبتنی بر مبانی ذیل است.

۱. وجه التزام باید به صورت شرط ضمن عقد یا پیرو قرارداد یا تعهد اصلی تصریحاً بابت

تأخیر یا نقض قرارداد یا تعهد مشخصی، تعیین شده باشد

۲. شرط وجه التزام به عنوان مجازات تعیین نشده باشد

۳. خسارت موضوع شرط وجه التزام واقعی باشد

۴. میزان شرط وجه التزام ناعادلانه و گزاف نباشد (متناسب با زیان ادعایی خواهان باشد)

ماکس یونگ استاد دانشگاه کاوندیش انگلستان، این که شرط تعیین شده "خسارت" است یا "شرط جزاء"، موضوع تفسیری تلقی نموده و معتقد است وضعیت زمان نقض قرارداد برای تشخیص آن لحاظ نمی‌شود بلکه طبق شروط، اوضاع و احوال ذاتی مختص هر قرارداد بر مبنای وضعیت آن در زمان انعقاد قرارداد قابل قضاوت خواهد بود و پرونده شرکت تایرهای پنوماتیک دانلوپ علیه شرکت نیوگاراژ و موتور - ۱۹۱۵ را به عنوان رأی دادگاه انگلیس با این مبنا ذکر نموده است (ولی محمدی؛ برادری؛ طاهرزاده، ۱۳۹۷: صص ۲۶۵-۲۷۱)

رویه قضایی انگلیس نشان می‌دهد به قدری قواعد حقوق قابل تفسیر توسط دادگاه است که حتی ممکن است بنابر اوضاع و احوال نوع توافق، وضعیت شرط (عنصر ثانوی)، متناسب با محتوای قرارداد اصلی شرطی معتبر و لازم الاجراء تلقی شود.

اما در حقوق ایران، کلمه التزام که جمع آن التزامات است در لغت به معنای همراه بودن، ملازمه شدن، به گردن گرفتن، ملزم شدن به امری، آماده کردن درآمدهای مالیاتی و همراهی (دلالت) می‌باشد. (عمید، ۱۳۹۱: ۲۸۵)

قانون مدنی ایران در ماده ۲۳۰ قانون مدنی اشعار داشته است: اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت، تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به



بیشتر یا کمتر از آن چه ملزم شده است، محکوم کند». ماده ۲۳۰ قانون مدنی برگرفته از قانون مدنی پیشین فرانسه است ولی مطابق ماده ۵-۱۲۳۱ قانون مدنی فرانسه مصوب ۲۰۱۶ امروزه وجه التزام گزاف یا بسیار ناچیز قابل تعدیل است. (صفایی، پ ۱۳۸۴: ۵۸۴)

به وجه التزام بانکی، «جریمه دیرکرد» و «خسارت تأخیر تأدیه» نیز گفته می شود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۷۳۹) (صفایی، ۱۳۸۴: ص ۲۰۹)

برخی از حقوقدانان معاصر از وجه التزام با اصطلاح زیان دیرکرد (کاتوزیان، ناصر، ۱۳۹۹: ۲۱۴) و عده ای (وحدتی شبیری، ۱۳۸۲: صص ۱۰۹-۹۳)

از اصطلاح خسارت تأخیر تأدیه برای تعهدات پولی و از وجه التزام برای تعهدات غیر پولی تحویل کالا و ارائه خدمات استفاده نموده اند.

تعریف وجه التزام در نظام بانکی در بند ۱۲ ماده ۱ دستورالعمل اجرایی اِمهال مطالبات مؤسسات اعتباری (ابلاغی طی بخشنامه شماره ۹۸/۲۱۲۶۸۱ مورخ ۹۸/۰۶/۲۶ اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی ج.ا.ا) چنین ذکر شده است: «وجهی است که مشتری موظف است در صورت عدم ایفای به موقع تعهدات خود در قبال مؤسسه اعتباری در چارچوب مصوبات شورای پول و اعتبار پرداخت نماید».

شایان ذکر است که جریمه دیرکرد یا خسارت تأخیر تأدیه از دیگر اصطلاحات مرتبط با وجه التزام است، لیکن وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه به طور مطلق یکسان نیست. گاهی وجوه اشتراک دارند و گاهی متفاوت هستند؛ زیرا وجه التزام مربوط به مسئولیت قراردادی ناشی از اراده صریح طرفین قراردادی است، ولی خسارت تأخیر تأدیه علاوه بر مبنای قراردادی ممکن است مبنای قانونی هم داشته باشد مانند مورد چک. خسارت تأخیر تأدیه فقط شامل تعهدات پولی است ولی کاربرد شرط وجه التزام اعم از تعهدات پولی و غیر پولی است.

## ۲- اخلاقیات مربوط به تعهدات

اخلاقیات مربوط به تعهدات شامل اصولی مانند اصل رضایت، ذینفع بودن در تعهدات برای طرفین و مبتنی بودن تعهدات بر حسن اخلاقی است. همچنین، پذیرش خسارت در صورت نقض تعهدات نیز یکی از معیارهای اخلاقی است. مبنای این اصول اخلاقی این است که تعهدات قابل انتقال هستند.

انتقال تعهد با تبدیل تعهد متفاوت است، زیرا در تبدیل تعهد، تعهد قبلی ناچار به لغو می شود و تعهد جدید جایگزین آن می شود و تضمینات تعهد قبلی نیز لغو می شود. اما در انتقال تعهد، تعهد با تمامی وجوب های آن انتقال می یابد و تضمینات آن نیز حفظ می شود.

در حقوق ایران، انتقال دین و طلب هر دو پذیرفته شده است، اگرچه انتقال مستقیم دین قابل

قبول نیست. همچنین، انتقال تعهد با نهادهایی مانند انتقال طلب، انتقال بدهی، حواله و ضمان نیز تفاوت‌هایی دارد. در مقررات مربوطه، مواردی وجود دارند که انتقال تعهدات ناشی از قرارداد یا معامله را ممکن می‌سازند. انتقال مال همچنین گاهی منجر به انتقال تبعی عقد می‌شود که بر اساس قانون رخ می‌دهد، پیش شرط این است که بین مال و قرارداد ارتباط و ارتباط لازم وجود داشته باشد، مانند در مورد فروش عینی مستأجره که خریدار جانشین فروشنده در اجاره قبلی است.

## ۲-۱- مبتنی بودن انتقال بر تعهد اخلاق حسنه

مبتنی بودن انتقال تعهد بر اخلاق حسنه یکی از شرایط و معیارهای اخلاقی در زمینه انتقال تعهدات است. این مسئله در حقوق تجاری اروپا نیز مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس اصول کلی حقوقی در اروپا، قوانین عمومی قراردادها قابل اعمال هستند و انتقال تعهدات مشابه هر قرارداد دیگری ممکن است غیرمعتبر باشد اگر غیرقانونی باشد یا با اصول اخلاقی در تضاد باشد. همچنین، اگر فردی که تعهد را انتقال می‌دهد، صلاحیت لازم را نداشته باشد یا انتقال به وسیله خطا یا تدلیس صورت گرفته باشد به گونه‌ای که باورپذیری قراردادها را تحت تأثیر قرار دهد، آنگاه انتقال تعهد غیرمعتبر محسوب می‌شود. (احمدوند و همکاران، ۱۳۸۵: ۳۸۸)

بنابراین، یکی از معیارهای انتقال تعهدات این است که آن با اخلاق و در تناظر با اصول اخلاقی باشد و با ضدیت اصول اخلاقی در تعارض نباشد. این معیار بیشترین وابستگی خود را به اراده آزاد طرفین در انتقال دارد. به عبارت دیگر، اصل اخلاقی ایجاب می‌کند که تعهدات و انتقال آنها خارج از اراده طرفین نباشد. اما باید توجه داشت که همه تعهدات را نمی‌توان به اراده نسبت داد، به عنوان مثال تعهدات ناشی از جرم و شبه جرم در نتیجه قانون و مقررات است و نه بر اساس اراده طرفین. همچنین، در مورد سایر حقوق نیز اراده حاکمیت مطلق ندارد؛ به عنوان مثال مالکیت، محصول اراده افراد نیست، بلکه زیر تأثیر مصالح اجتماعی و نظم عمومی قرار می‌گیرد. همچنین، انتقال میراث نیز بر اساس حکم قانون اتفاق می‌افتد و مبتنی بر وصیت تصور نمی‌شود، به خصوص در مواردی که فرد متوفی کودک یا مجنون باشد زیرا کودکان و مجانین قصدی ندارند. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که اصل آزادی اراده موضوعی است که حدود و محدودیت‌هایی دارد و این حدود و محدودیت‌ها توسط قوانین، نظم عمومی و اصول اخلاقی منعکس می‌شوند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۲۵)

به طور خلاصه و بر اساس اصل آزادی اراده، قابلیت انتقال تعهدات وجود دارد، با این حال هر صاحب اراده نمی‌تواند حق مالکیت خود را به فرد دیگری منتقل کند مگر آنکه قانون صراحتاً آن را ممنوع کند.

## ۲-۲- مبانی اخلاقی پذیرش خسارت در انتقال تعهد

در انتقال تعهدات نیز برای جلوگیری از تخلفات و تضمین جبران خسارات ممکن در صورت عدم انجام تعهد، شفافیت در مورد خسارات ضروری است. بنابراین، اطلاعات در مورد خسارات و جبران آنها در قوانین و تعهدها مشخص می‌شود.

تعهد به معنای تکلیفی است که بر عهده شخص متعهد قانوناً قرار دارد و در صورت عدم انجام و تعهد، می‌تواند از طرف مراجع قضایی تقاضای انجام تعهد را داشته باشد. ارتباط حقوقی بین دو طرف در انتقال تعهد بر اساس اراده شخص است و متعهد می‌تواند دیگری را ملزم به اقدام خاصی کند. در مواردی که موضوع تعهد، پرداخت پول یا مال باشد، شخصی که بدهکار است به عنوان دائن شناخته می‌شود و شخصی که مستحق است تعهد می‌کند به عنوان متعهد معروف است. (شهیدی، ۱۳۸۶: ۴۲)

برای مثال، در یک قرارداد خرید و فروش، فروشنده و خریدار تعهدی در برابر یکدیگر دارند. خریدار متعهد است که مبلغ معامله را به فروشنده پرداخت کند و فروشنده ملزم است که کالا را به خریدار تحویل دهد.

در کل، این تعهدات به منظور ایجاد رابطه حقوقی بین افراد و اعطای حقوق و تعهدات برای محافظت از منافع هر دو طرف در طول انجام تعهد صورت می‌گیرد. (موحد، ۱۳۵۲: ۱۹۳)

## ۳-۲- اصل رضایت در تعهد

در واقع، تفکیک بین انتقال تعهد و واگذاری حقوق در حقوق داخلی ایران به لحاظ رضایت طرفان و تأثیر آن بر ذینفعان مهم است. در انتقال تعهد، رضایت سه شخص (متعهد ابتدایی، متعهد جدید و ذینفع تعهد) لازم است. اما در واگذاری یک حق، تنها با رضایت واگذارنده و طرف واگذاری، حق انتقال می‌یابد و رضایت شخص ثالث لازم نیست.

در صورت واگذاری حقوق، طرفان مستقیماً درگیر هستند و طرف ثالثی که در تعهد دخالت ندارد، رضایت لازم نیست. اما در انتقال تعهد، تغییر متعهد می‌تواند تأثیر زیادی بر ذینفع تعهد داشته باشد، زیرا متعهد جدید ممکن است کمتر قابل اعتماد باشد. بنابراین، رضایت ذینفع تعهد در صورت تغییر متعهد ضروری است. (اخلاقی و امام، ۱۳۸۵: ۳۶۸)

در مورد مقایسه انتقال تعهد و واگذاری حقوق، می‌توان گفت که هر چند انتقال تعهد و واگذاری حقوق هر دو به انتقال حقوق مرتبط می‌شوند، اما تفاوت در ماهیت تعهد و حق وجود دارد. انتقال تعهد به رضایت سه شخص و اثر تغییر متعهد روی ذینفع تعهد متکی است. اما واگذاری حقوق، به صورت توافقی بین واگذارنده و طرف واگذاری اعمال می‌شود بدون ضرورت رضایت شخص ثالث.

به علاوه، در انتقال تعهد، معیارهای دیگری مانند تفکیک امور قابل انتقال و غیر قابل انتقال نیز نقش دارند. برخی از تعهدات به شدت به شخصیت طرفین وابسته هستند و با فوت یکی از طرفین ساقط می‌شوند، در حالی که حقوق غیر مالی قابلیت نقل و انتقال ندارند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۲۶۶)

در کل، در حقوق داخلی ایران، تفاوت‌های مهمی در انتقال تعهد و واگذاری حقوق وجود دارد از جمله رضایت طرفین، تأثیر تغییر متعهد و ماهیت هر یک از آنها.

### ۳- تعدیل وجه التزام

بحث تعدیل وجه التزام ارتباط تنگاتنگی با ماهیت آن دارد در واقع بر حسب مبنایی که برای ماهیت وجه التزام پذیرفته می‌شود پاسخ امکان یا عدم امکان تغییر در وجه التزام مقرر نیز داده می‌شود. چنانچه ماهیت وجه التزام را فقط تضمینی-تنبیهی بدانیم اصولاً مبلغ آن و لو اینکه بسیار سنگین باشد نباید قابل تغییر باشد چرا که در واقع مجازات ناقض عهد می‌باشد و اگر ماهیت خسارتی را برگزینیم، امکان تغییر در وجه التزام های سبک یا سنگین قابل قبول تر به نظر میرسد این بحث را در مبحث ماهیت وجه التزام به اجمال بیان کردیم ولیکن در اینجا موضع نظامهای مختلف را به طور مستقیم در این باره خواهیم دید و سپس به بررسی آن از دیدگاه حقوق خودمان می‌پردازیم، البته قبل از آن لازم است رابطه وجه التزام را با تعهد اصلی مورد توجه قرار دهیم تا جایگاه و قلمرو بحث معین گردد.

#### الف: رابطه وجه التزام و تعهد اصلی

این رابطه از دو دیدگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد یکی تبعی بودن وجه التزام و دیگری امکان یا عدم امکان جمع تعهد اصلی و وجه التزام. همانطور که بیان شد وجه التزام چه به صورت شرط ضمن عقد باشد و چه بصورت عقدی مستقل از نظر بقاء و زوال تابع تعهد اصلی است در واقع وجه التزامی که برای تخلف از تعهد در نظر گرفته شده رابطه اش با این تعهد همانند اصل و فرع می‌باشد لذا در صورتی که تعهد اصلی به دلیلی باطل باشد وجه التزام نیز باطل و غیر قابل مطالبه است ولی اگر وجه التزام باطل باشد به تعهد اصلی سرایت نمی‌کند ماده ۱۲۲۷ ق.م.فرانسه بیان میدارد بطلان شرط وجه التزام موجب بطلان تعهد اصلی نیست».

اصولاً وجه التزام برای تخلف از تعهد مقرر میشود ولیکن در مواردی ممکن است مقرر شود در صورتی که تعهد اصلی به دلیلی باطل باشد مثلاً مستحق للغير در آید مبیع، مبلغی به عنوان وجه التزام پردازد در این موارد دیگر نمی‌توان گفت که وجه التزام یک تعهد تبعی است که بطلان آن به بطلان شرط منجر می‌شود. البته در این موارد نیز می‌توان گفت طرف عقد وجود

آن شرط صحت مورد نظر را تعهد می کند و در صورت اثبات خلاف آن مثلاً مستحق للغير درآمدن از تعهد خود تخلف کرده است.

بحث دیگر در خصوص رابطه وجه التزام و تعهد اصلی امکان یا عدم امکان جمع این دو می باشد وجه التزام یا برای عدم انجام تعهد یا جهت تأخیر در انجام تعهد معین می شود در قانون تعهدات سوئیس مورد دیگری را بیان کرده که وجه التزام جهت انجام تعهد در زمان یا مکان خاصی باشد (م ۱۶۰)

به نظر می رسد که چنانچه وجه التزام برای تخلف از انجام تعهد باشد متعهدله نمی تواند هم انجام تعهد و هم وجه التزام را مطالبه نماید ولی آیا متعهد یا متعهدله در انتخاب این دو مختار می باشند قابل بحث است، در حقوق رم در ابتدا شرط پرداخت وجه التزام تعهد اصلی و تنها تعهد بدهکار بود و متعهدله نمی توانست انجام تعهد را از متعهد بخواهد بعدها شیوه انشای شرط تغییر یافت و بدهکار مکلف به انجام دو تعهد گردید. تعهد اصلی مندرج در قرارداد و تعهد فرعی پرداخت وجه التزام. متعهدله در انتخاب یکی از آندو مختار بود در حال حاضر در حقوق فرانسه مطابق ماده ۱۱۲۸ متعهدله میتواند به جای مطالبه وجه التزام تقاضای اجرای مفاد قرارداد را کرده و انجام تعهد اصلی را بخواهد. (اسکینی، صص ۵۴ و ۵۶).

در حقوق ما نیز با توجه به اصل لزوم قراردادهای و اینکه وجه التزام برای تخلف از قرارداد معین میشود متعهدله میتواند ابتدا خواهان اجبار متعهد به انجام تعهد شود یعنی وجود وجه التزام به معنی حق عدول متعهد از انجام تعهد نمی باشد مگر اینکه این امر صریحاً در قرارداد بیان شده باشد که در اینصورت به نظر می رسد ماهیت آن وجه التزام نباشد. از سوی دیگر متعهد نیز میتواند با عرضه اجرای تعهد، متعهدله را از دستیابی و مطالبه وجه التزام باز دارد در حقوق سوئیس نیز ماده ۱۶۰ بیان می دارد

که: «اگر برای عدم اجرای قرارداد یا عدم اجرای کامل آن وجه التزام تعیین شده باشد جز در صورت وجود قرارداد مخالف متعهدله حق دارد فقط اجرای قرارداد و یا وجه التزام مقرر را بخواهد.....»

حق متعهد در اثبات اینکه حق دارد با پرداخت جریمه از انجام تعهد سرباز زند محفوظ می باشد و البته ماهیت این تعهد را همان قانون جریمه عدول» می داند نه وجه التزام. در صورتی که وجه التزام برای تأخیر در انجام تعهد پیش بینی شده باشد، متعهدله هم می تواند اجرای تعهد اصلی را مطالبه کند و هم جریمه تأخیر را. در صورتی که اجرای تعهد اصلی به عللی که خارج از اراده متعهد می باشد از قبیل فورس ماژور ممکن نباشد به نظر می رسد متعهدله نمیتواند وجه التزام را مطالبه نماید.

**ب: اجرای بخشی از تعهد**

در صورتی که متعهد بخشی از قرارداد را اجرا نموده باشد آیا وجه التزام را می‌توان به نسبت کار انجام شده تقلیل داد یا اینکه متعهد باید کل وجه مقرر را بپردازد؟ آیا قاضی مجاز می‌باشد که با توجه به اوضاع و احوال و کار انجام شده وجه التزام را کاهش دهد؟

اگر از دیدگاه تضمینی و تنبیهی به وجه التزام بنگریم باید گفت ظاهر این است که نمی‌توان در صورت اجرای بخشی از تعهد به آن میزان از آن کاست چرا که وجه التزام مقرر شده تا اینکه تعهد کاملاً اجرا شود از سوی دیگر می‌توان گفت با انجام بخشی از تعهد قسمتی از خسارت مفروض جبران شده یا اصلاً خسارتی وارد نشده به آن نسبت) لذا وجه التزام باید به نسبتی که تعهد انجام نشده پرداخت گردد.

به نظر می‌پاسخ به سؤال فوق باید با توجه به ماهیت تعهد و اراده طرفین بیان شود به این معنی که اگر تعهد قابل تجزیه باشد و قسمت اجرا شده مستقلاً مطلوب متعهدله باشد با اجرای آن قسمت وجه التزام هم به همان میزان کسر می‌گردد مثلاً: در قراردادی شخص تعهد مینماید سه باب ساختمان با شرایط مقرر در زمینهای شخص دیگر برای او احداث نماید و برای عدم انجام تعهد وجه التزامی مقرر می‌شود در صورتی که متعهد دو باب از ساختمانها را بر طبق شرایط احداث نماید دادگاه می‌تواند حکم به پرداخت یک سوم وجه التزام بدهد مگر اینکه طرفین صریحاً یا ضمناً خلاف این را مقرر نموده باشند ولی در جایی که تعهد قابل تجزیه نیست یا انجام تعهد به طور کامل مطلوب برای شخص می‌باشد با اجرای بخشی از تعهد وجه التزام را نمی‌توان کاهش داد.

البته در قانون مدنی راه حلی برای این موضوع پیش بینی نشده و آنچه گفته شد با توجه به سایر مقررات و اصول کلی می‌باشد.

در حقوق ایران از ظاهر ماده ۳۳۰ ق.م.بر می‌آید که وجه التزام غیر قابل تغییر می‌باشد برخی استادان نیز تأیید کرده اند که میزان وجه التزام ولو چندین برابر خسارت واقعی یا چندین برابر اصل مورد تعهد باشد معتبر خواهد بود (امامی، همان، ص ۲۴۷) ولی به نظر میرسد راههایی برای تعدیل وجه التزام باشد. در صورت ناچیز یا کم بودن وجه التزام در مقایسه با خسارت واقعی از دو طریق می‌توان به تغییر وجه التزام و اجازه مطالبه خسارت واقعی اقدام نمود:

**اول: تفسیر شرط وجه التزام**

اصولاً هنگامی که در یک قرارداد وجه التزام معین می‌گردد این وجه التزام در واقع به نفع متعهدله تعهد و به ضرر متعهد می‌باشد لذا دادرسی می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال و تفسیر قرارداد اعلام دارد که وجه التزام به نفع متعهدله می‌باشد و برای او ایجاد التزام نمی‌نماید و

مسئولیت متعهد را محدود به مبلغ مقرر نمی نماید. (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ص ۱۴۷) پس زیان دیده می تواند با اثبات ورود ضرر بیش از مبلغ مقرر آنرا دریافت نماید. البته باید توجه داشت که با وجود ماده ۲۳۰ ق.م.ل.زم است حتماً قرائنی بر اینکه شرط تنها به نفع زیان دیده بوده است وجود داشته باشد.

### دوم: تقصیر عمدی متعهد

وجه التزام یک تعهد فرعی می باشد که در صورت عدم انجام تعهد اصلی پرداخت می گردد و در حقوق ما تعیین وجه التزام به معنی حق عدول متعهد از انجام تعهد اصلی نمی باشد و متعهدله میتواند الزام او را به انجام تعهد بخواهد. اگر متعهد به دلایلی (بجز فورس ماژور) نتواند تعهد خود را اجرا نماید متعهدله فقط می تواند وجه التزام مقرر را بخواهد ولی چنانچه متعهد با وجود امکان انجام تعهد به عمد از انجام آن سرباز زند به نظر میرسد با اثبات خسارت مازاد بر وجه التزام می توان تمام خسارت را مطالبه نمود در حقوق مصر نیز ماده ۲۲۵ اجازه افزایش وجه التزام را در صورت سوءنیت مرتکب یا ارتکاب خطای سنگین داده است. (سنهوری، ۱۳۹۸، ص ۱۲۵). در صورتی که وجه التزام در مقایسه با خسارات واقعی ناشی از عدم انجام تعهد سنگین باشد یا اینکه وجه التزام در مقایسه با اصل تعهد گزاف باشد به طرق ذیل قابل تعدیل به نظر می رسد:

### الف - غفلت قابل اغماض

برخی اساتید معتقدند حکم ماده ۲۳۰ ق.م.ل.زم تخصیص یافته است این ماده بیان می دارد هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی باشد که عرفاً قابل اغماض باشد وجبران آن موجب عسرت وارد کننده زیان شود دادگاه میتواند میزان خسارت را تخفیف دهد. مثلاً اگر وجه التزامی معادل نیمی از ثمن برای تأخیر در فراهم نمودن آب و گاز خانه ای ظرف یک ماه معین شود و متعهد یک روز دیرتر این کار را انجام دهد چون این یک روز قابل اغماض می باشد و لذا دادرسی می تواند وجه التزام را تخفیف دهد. (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۸۰).

این تفسیر به خاطر جلوگیری از نتایج ناعادلانه پرداخت وجه التزام مقرر می باشد والا خالی از اشکال نیست چرا که ممکن است با این یک روز تأخیر حتی هیچ گونه خسارتی هم وارد نشده باشد و اصولاً وجه التزام ماهیت تضمینی نیز دارد.

### ب- اخلاق حسنه و نظم عمومی

ممکن است گفته شود که در صورتی که وجه التزام گزاف باشد این مخالف اخلاق حسنه و نظم عمومی است و به استناد ماده ۹۷۵ ق.م.ب.ا.م می باشد برخی نیز گفته اند اگر وجه التزام مقرر از مصادیق ماده ۹۶۰ ق.م. (سلب حریت) باشد یعنی وضع اقتصادی شخص را به خطر اندازد دادگاه با تقلیل وجه التزام این خطر را مرتفع خواهد کرد (امیری قائم مقامی، ۱۳۹۷، ص ۹۱). ولی

باید دانست اگر چنین فرضی قابل تصور باشد وجه التزام باطل است نه قابل تقلیل.

### ج) - تفسیر ماهیت تعهد

در برخی موارد امکان تفسیر تعهد به گونه‌های مختلف وجود دارد و دادرسی می‌تواند تفسیری را برگزیند که از پرداخت وجه التزام گزاف و ناعادلانه خودداری شود نمونه این تفسیر را در دعوی که متعهد ملتزم شده بود ظرف یک ماه برق خانه‌ای را که فروخته فراهم نماید والاباید وجه التزامی معادل ثمن معامله بپردازد، مشاهده می‌کنیم در این دعوا (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۳۱).

دادرسی به خاطر پرهیز از پرداخت وجه التزامی که ناعادلانه بود و متعهد نیز با کمی تأخیر تعهد را انجام داده بود تعهد را تعهد به وسیله تفسیر کرده و در نتیجه تعهد اجرا شده محسوب گردید و دعوی مطالبه وجه التزام غیر موجه تشخیص داده شد.

با این همه آنچه در بالا در خصوص تعدیل وجه التزام گزاف گفته شد اولاً: در همه موارد قابل اعمال نیست ثانیاً: بعضاً نیز از نظر حقوقی اشکال دارد لذا اصلاح ماده ۲۳۰ ق.م و همگام کردن آن با سایر نظام‌های حقوقی امری ضروری است منتها تا آن زمان نیز باید حربه‌هایی برای پرهیز از نتایج ناعادلانه اجرای این گونه تعهدات فراهم آورد و منتظر قانونگذار نماند.



## نتیجه گیری

در حقوق داخلی ایران، فصل مستقل مخصوصی برای بررسی انتقال تعهد وجود ندارد اما تعداد محدودی ماده قانونی وجود دارند که درباره‌ی انتقال تعهد صریحاً تعبیر شده‌اند. برخی از موارد شامل ماده ۸۳ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ و ماده ۲۶ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ هستند که مربوط به انتقال طلب در صورت فوت بیمه‌گذار است. همچنین ماده ۱۷ قانون مزبور مربوط به انتقال موضوع بیمه به دیگری در صورت وراثت یا منتقل الیه، کلیه تعهدات قراردادی بیمه‌گذار به عهده بیمه‌گر را در قبال ورثه یا منتقلالیه اجرا می‌کند و عقد بیمه برای منفعت ورثه یا منتقلالیه حق فسخ را نیز دارد. در نتیجه، مشخص است که در حقوق ایران، مواد معروضه وجود دارند که به انتقال تعهد می‌پردازند. اما به علت اهمیت بالای انتقال تعهد در تنظیم روابط حقوقی و اقتصادی افراد حقیقی و حقوقی، مناسب است که قانونگذار در اصلاح قانون مدنی، یک فصل مستقل برای انتقال تعهد مشابه تبدیل تعهد ایجاد کرده و به جزئیات آن توجه کند. در کنار این مسأله، مواردی که اهمیت دارند شامل در نظر گرفتن معیارهای اخلاقی برای انتقال تعهد است؛ بنابراین این معیارها می‌توانند به‌عنوان ملاک‌های مهمی در مسائلی مانند تعویض خسارت، رابطه معاوضه‌ای بودن انتقال، پایبندی به اصول اخلاقی، توجه به رضایت طرفین و وجود رضایت مندی آزاد از طرفین برای انتقال تعهد در نظر گرفته شوند. از آنچه گفته شد در می‌یابیم که وجه التزام دارای ماهیتی دوگانه می‌باشد از یک سو تعیین پیشاپیش خسارت ناشی از عدم اجرای عهد است و از سوی دیگر وسیله تضمین اجرای عهد، نهادی شبیه دیه در حقوق اسلامی که ماهیتی کیفری-مدنی دارد. امروزه با تفکیک مسوولیت کیفری از مسوولیت مدنی و با دخالت روز افزون دولت‌ها در زمینه قراردادهای مقرر حاکم بر وجه التزام نیز تغییر نموده است: در نظام‌های مختلف اجازه تعدیل وجه التزام‌های سنگین یا ناچیز به دادرسی اعطا شده و در صورتی که طرف قرارداد به عمد از اجرای تعهد خودداری ورزد یا تقصیر سنگینی را مرتکب شود نمیتواند در پناه وجه التزام از پرداخت سایر خسارات مازاد بر وجه التزام امتناع ورزد.

در حقوق ما ماهیت تضمینی وجه التزام غلبه دارد قانونگذار هیچ‌گونه تغییر را در این زمینه بعمل نیاورده و تقلیدها به همان صورت اولیه و گاه نیز ناقص می‌باشد در حالی که با توجه به آنچه قبلاً گفته شد اصلاح مقررات در این زمینه امری ضروری است. منتها باید توجه داشت که در حال حاضر نیز نباید بر ماده ۲۳۰ ق.م مانند حصار غیر قابل نفوذ نظر افکند دادرسی میتواند با تفسیرهای منطقی و استفاده از سایر اصول و مقررات که نمونه آن در ضمن بحث بیان شد به متناسب کردن وجه التزام با خسارات واقعی بپردازد و از نتایج ناعادلانه برخی وجه التزامها پرهیز کند. وجه التزام را به استثناء موارد گزاف بودن باید حداقل خسارات ناشی از عدم اجرای تعهد دانست که تا آن مقدار متعهدله بدون اثبات ورود ضرر حق مطالبه دارد و برای مطالبه مازاد باید دلیل بیاورد.

## فهرست منابع

### الف) کتب

۱. احمدوند، ولی‌الله، پارساپور، محمدباقر، قربانی لاجوانی، مجید، محمودی، اصغر، (۱۳۸۵) حقوق قراردادهای اروپا، تهران: موسسه انتشاراتی جهان جام جم.
۲. آقایی، بهمن، (۱۳۸۷) فرهنگ حقوقی بهمن انگلیسی - فارسی، چاپ چهارم، تهران.
۳. اصفهانی، محمد حسین (۱۴۱۹) حاشیه کتاب مکاسب، چاپ اول، قم، ۱۴۱۹.
۴. امیری قائم مقامی، عبدالمجید، (۱۳۹۷) حقوق تعهدات، ج ۱، چاپ دوم.
۵. انصاری، مرتضی (۱۳۸۸) ابن محمدامین، مکاسب، مترجم: محمدی همدانی، اصغر، چاپ دوم، تهران.
۶. بجنوردی، حسن، (۱۴۱۹) القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم.
۷. تبریزی، ابوطالب، (۱۳۷۹) التعلیقہ الاستدلالیہ علی تحریر الوسیلہ، چاپ اول، تهران.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷) تاثیر اراده در حقوق مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.
۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۲) ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، تهران.
۱۰. حسینی، هاشم معروف، (۱۳۸۵) نظریه العقد فی الفقه الجعفری، چاپ اول، بیروت.
۱۱. حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، (۱۴۱۷) العناوین الفقهیه چاپ اول، قم.
۱۲. سبزواری، عبدالاعلی، (۱۴۱۳) مذهب الاحکام، چاپ اول، قم.
۱۳. سماواتی، حشمت‌الله، (۱۳۹۸) خسارات ناشی از عدم انجام تعهدات قراردادی چاپ ششم، تهران.
۱۴. سنهوری، عبدالرزاق، (۱۹۹۸) مصادرالحق فی فقه الاسلامی، چاپ دوم، بیروت.
۱۵. شعاریان، ابراهیم، ترابی، ابراهیم، (۱۳۸۹) اصول حقوق قراردادهای اروپا و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی)، تهران، نشر فروزش.
۱۶. الشریف، محمد مهدی، (۱۳۹۲) منطق حقوق، چاپ اول، تهران.
۱۷. صافی، لطف‌الله، (۱۳۸۵) جامع الاحکام، چاپ اول، قم.
۱۸. صفایی، سید حسین، (۱۳۹۳) قواعد عمومی قراردادهای ج ۲، چاپ سی و دوم، تهران.
۱۹. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم (۱۳۴۰ق) سؤال و جواب، چاپ اول، نجف.
۲۰. عمید، حسن، (۱۳۹۱) فرهنگ فارسی، چاپ سی و سوم، تهران.
۲۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۱۵) القاموس المحيط، دار العلمیه، ج ۲، چاپ اول، بیروت.
۲۲. قاسم زاده، سیدمرتضی، (۱۳۹۹) حقوق مدنی، اصول قراردادهای و تعهدات، چاپ پانزدهم، تهران.
۲۳. فنوائی جلیل، حسن، وحدتی، شبیری؛ عبدی پور، ابراهیم، (۱۳۷۹) حقوق قراردادهای در فقه امامیه، ج ۱، چاپ اول، تهران.

۲۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳) قواعد عمومی قراردادها، ج ۴، چاپ نهم، تهران.
۲۵. ---، (۱۳۹۹) الزام های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، چاپ دوم، تهران.
۲۶. ---، (۱۳۹۵) حقوق تعهدات، چاپ سوم، تهران.
۲۷. ---، (۱۳۹۵) حقوق مدنی، وقایع حقوقی، چاپ نوزدهم، تهران.
۲۸. گلپایگانی، محمدرضا، (۱۴۱۷) مجمع المسائل، چاپ اول، قم.
۲۹. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۹) نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی چاپ اول، تهران.
۳۰. مراغی، میر عبدالفتاح، (۱۴۱۷) العناوین، چاپ دوم، قم.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵) استفتائات جدید، چاپ اول، قم.
۳۲. موحد، محمد علی، (۱۳۵۲) مختصر حقوق مدنی، چاپ دوم، تهران، انتشارات مدرسه عالی حسابداری و علوم مالی.
۳۳. موسسه الفقه الاسلامی (۱۴۲۳) طبقاً لمذهب اهل البیت علیهم السلام، چاپ اول، قم.
۳۴. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۸) تحریر الوسیله، چاپ اول، تهران.
۳۵. ---، (۱۴۲۱) کتاب البیع، ج ۵، چاپ اول، تهران.
۳۶. نایینی، محمد حسین، (۱۳۷۳) منیه الطالب فی حاشیه المکاسب (طبع قدیم)، چاپ اول، تهران.
۳۷. نجفی، محمدحسن، (۱۳۹۲) جواهر الکلام، ج ۲۳، چاپ ششم، قم، ۱۳۹۲.
۳۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۱۷) عوائد الایام، چاپ اول، قم.
۳۹. ولی محمدی، محمد؛ (۱۳۹۷) برادری، خسرو؛ طاهرزاده، طاهر، ترجمه: کتاب مقدمه های بر قراردادهای انگلیس و ایران (تألیف ماکس یونگ)، چاپ اول، تهران.
۴۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۴۲۱) قراءات فقهیه معاصره، ج ۲، چاپ اول، قم، ۱۴۲۱.
۴۱. ---، سید محمود، (۱۴۲۳) کتاب الاجاره، چاپ اول، قم، ۱۴۲۳.

## ب) مقالات و پایان نامه ها

۱. اسکینی، ربیعا وجه التزام در قراردادهای بین المللی، مجله حقوقی دفتر خدمات بین المللی، شماره ۹، ۱۳۶۷.
۲. قاسم زاده، سید روح الله؛ پارساپور، محمدباقر؛ علوی، سیدمحمدتقی، «جریمه های قضایی و شروط جزایی در حقوق انگلیس، (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران)» نشریه پژوهشهای حقوقی تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، دوره ۱۵، شماره ۴، ۱۳۹۰.
۳. وحدتی شبیری، حسن، «مطالعه تطبیقی خسارت تأخیر تأدیه در حقوق ایران و فقه امامیه»، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۲، ۱۳۸۲.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتمال جامع علوم انسانی